

# یگانگی

## یا اباعبدالله

### السلام علیک یا

## فضیلت‌ها و ویژگی‌های یاران امام حسین علیه السلام

بخش چهارم

دکتر محمدرضا سنگری

### وحدت و هم‌دلی

آنان که با خویش و در خویش یگانه می‌شوند، وحدت و یگانگی با دیگران را نیز می‌توانند. آن که در خویش پریشان و مشوش است و آشفته و بی‌سامان، نمی‌تواند با دیگران به یک‌رنگی و صمیمیت برسد. اگر وارستگان و پاکان با هم جمع شوند، هرگز به اختلاف و افتراق نمی‌رسند.

کربلا، جلوه‌گاه وحدت و هم‌دلی است. وحدت در جهت‌گیری، وحدت در بیان، وحدت در رفتار، وحدت در رهبری و وحدت در خلق و خو، ویژگی ممتاز یاران حسین است.

جان گرگان و سگان هر یک جداست

متحد جان‌های شیران خداست

جمع گفتم جان‌هاشان من به اسم

کان یکی جان صد بود نسبت به جسم

هم‌چو آن یک نور خورشید سما

صد بود نسبت به صحن خانه‌ها

لیک یک باشد همه انوارشان

چون که برگیری تو دیوار از میان

چون نمائد خانه‌ها را قاعده

مؤمنان مانند نفس واحده<sup>۱</sup>

به راستی مجموعه یاران، به یگانگی حقیقت، با همه یگانه‌اند. هر کس از خویش برای دیگران می‌گذرد. کدام صحنه شکوهمندتر از این که سردار ساقی کربلا، به شریعه برسد و آب خنک و زلال دستش را بنوازد و آب تا کام فرا آید و یاد عطش دیگران، او را تشنه از شریعه بیرون آورد و با خویش زمزمه کند:

یا نفس من بعد الحسین هونی

قبعد لا کنت ان تکنونی

هذا حسین شارب المنون

و تشریین بارد المعین

هیئات ما هذا فعال دینی

و لا فعال صادق امین<sup>۲</sup>

ای نفس بعد از حسین خوار باش. بعد از او سزاوار و شایسته زیستن نیستی. این حسین است که مرگ می‌نوشد، و تو می‌خواهی آب سرد بنوشی؟ هرگز، هرگز این شیوه دین‌داری من نیست. این شیوه راست‌گویی امین نیست.

عباس، آب خوردن بی‌دیگران را «فعال دین» نمی‌خواند. با دیگران باید خورد نه بی‌دیگران. و این سیرت درست‌کاران راست‌کردار است.

در منازل راه که امام حوادث و اخبار تلخ، مانند شهادت مسلم و هانی و عبدالله را مطرح می‌کرد تا هر که اندیشه رفتن دارد برود، یاران خالص و پاک‌باز می‌گفتند ما هرگز رهایت نخواهیم کرد. مسلم بن عوسجه، عابد و زاهد و قرآن‌شناس، در شب عاشورا پس از دعوت امام به رفتن، گفت:

آیا دست از همدلی و همراهی تو برداریم، در حالی که عذر و بهانه‌ای در پیشگاه الهی نداریم؟ سوگند به خدا از تو جدا نمی‌شویم

و با دشمنان می‌جنگیم تا نیزه بشکند. تا شمشیر در دستم هست می‌ستیزم و اگر سلاحی نباشد، با سنگ نبرد خواهم کرد تا به شهادت برسم.

در صحنه نبرد، هرگاه یک یا چند تن به میدان می‌رفتند و می‌جنگیدند و به محاصره دشمن می‌افتادند، دیگران - بویژه ابوالفضل العباس - به میدان می‌رفتند، محاصره را می‌شکستند و به نجات یاران و هم‌دلان می‌پرداختند.

هر چه این سو پیوستن است، آن سو گسستن است، همه در کمین قدرتند و به زبان دیگر در کمین هم! شمر، رقیب عمر سعد است و در هنگام آمدن به کربلا، مأمور است تا اگر عمر سعد کوتاهی ورزد، سر از تنش جدا کند و خود فرماندهی را به عهده بگیرد. در حمله‌ها و حتی در پایان جنگ، بین فرماندهان رقابت کاملاً پیدا است. پس از شهادت حضرت حبیب، همه با هم جدال دارند که من بودم که کشته شدم و عمر سعد به غائله پایان می‌دهد تا هر کس سر حبیب را به ترک اسب ببیند و در میدان جولان دهد<sup>۳</sup> و دیگران را به شهادت بگیرد تا فردا صله این‌ز یاد را دریافت.

یکی از نویسندگان می‌گوید: هرگاه عمر سعد میدان رفتن را پیشنهاد می‌داد، می‌گفتند چه می‌دهی؟ چه قدر می‌دهی؟ و هرگاه امام می‌گفت: «کشته شدن فرجام کار است»، همه می‌گفتند: دریا که تنها یک بار می‌میریم، کاش هفتاد بار می‌مردیم و زنده می‌شدیم تا هر بار پرشورتر و عاشقانه‌تر جان ببازیم.

آن چه در گزارش همه تاریخ‌نویسان کربلا آمده است، این است که در هیچ صحنه‌ای و در هیچ منزلی کوچک‌ترین نشان از اختلاف، چندانگی اندیشه و نزاع فکری میان یاران نیست.

در کنار این ویژگی، هیچ عنصری از مجموعه عناصر همراه حسین به سپاه عمر سعد نیبوست. از آن سو کسانی چون حر و سعد و ابوالحتوف خوش فرجام می‌شوند و به اباعبدالله می‌پیوندند اما هیچ کس از سپاه اباعبدالله به تردید و تزلزل و تذبذب دچار نمی‌شود یا جاذبه قدرت، سلاح و یا دعوت عمر سعد او را نمی‌فریبد.

وقتی شمر به کربلا می‌آید و در اندیشه تفرقه و شکاف در سپاه اباعبدالله و بیرون کشیدن چهار یاور بزرگ امام؛ عباس، عبدالله، عثمان و جعفر از رزمگاه کربلاست، چهار برادر متحد و یک‌صدا او را می‌رانند و شمرسار و تهی‌دست باز می‌گردانند.

روح کلام، سخن و رجز همه صحابه یکی است. آخرین جملات آنان در لحظه وداع و شهادت نیز یگانه است. در هیچ زمین و زمانی انسان‌هایی چنین یگانه و یکدل و همراه نمی‌توان یافت و تردیدی نیست که هرگاه و هر جا، از این دست انسان‌ها فراهم آیند، پیروزی و دشمن‌شکنی، همگام و همراهشان خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. منتهی معنوی، به اهتمام دکتر توفیق سبحانی، ابیات ۴۱۸ - ۴۱۴.

۲. سردار کربلا، سید عبدالرزاق موسوی المرقم، ترجمه ناصر پاک‌پرو، ص ۲۸۸.

۳. تاریخ کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۵۸.

۴. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۳۹.

۵. حسین علیه‌السلام پیشوای انسان‌ها.

آن چه در گزارش همه تاریخ‌نویسان کربلا آمده است، این است که در هیچ صحنه‌ای و در هیچ منزلی کوچک‌ترین نشان از اختلاف، چندانگی اندیشه و نزاع فکری میان یاران نیست

روح کلام، سخن و رجز همه صحابه یکی است. فرین جملات آنان در لحظه وداع و شهادت نیز یگانه است. در هیچ زمین و زمانی انسان‌هایی چنین یگانه و یکدل و همراه نمی‌توان یافت و تردیدی نیست که هرگاه و هر جا، از این دست انسان‌ها فراهم آیند، پیروزی و دشمن‌شکنی، همگام و همراهشان خواهد بود